



نقش زرتشتیان در انقلاب مشروطیت

ایران

بیات ستاریان
دبیر تاریخ شهردستان سنقر گلپایه

اشاره

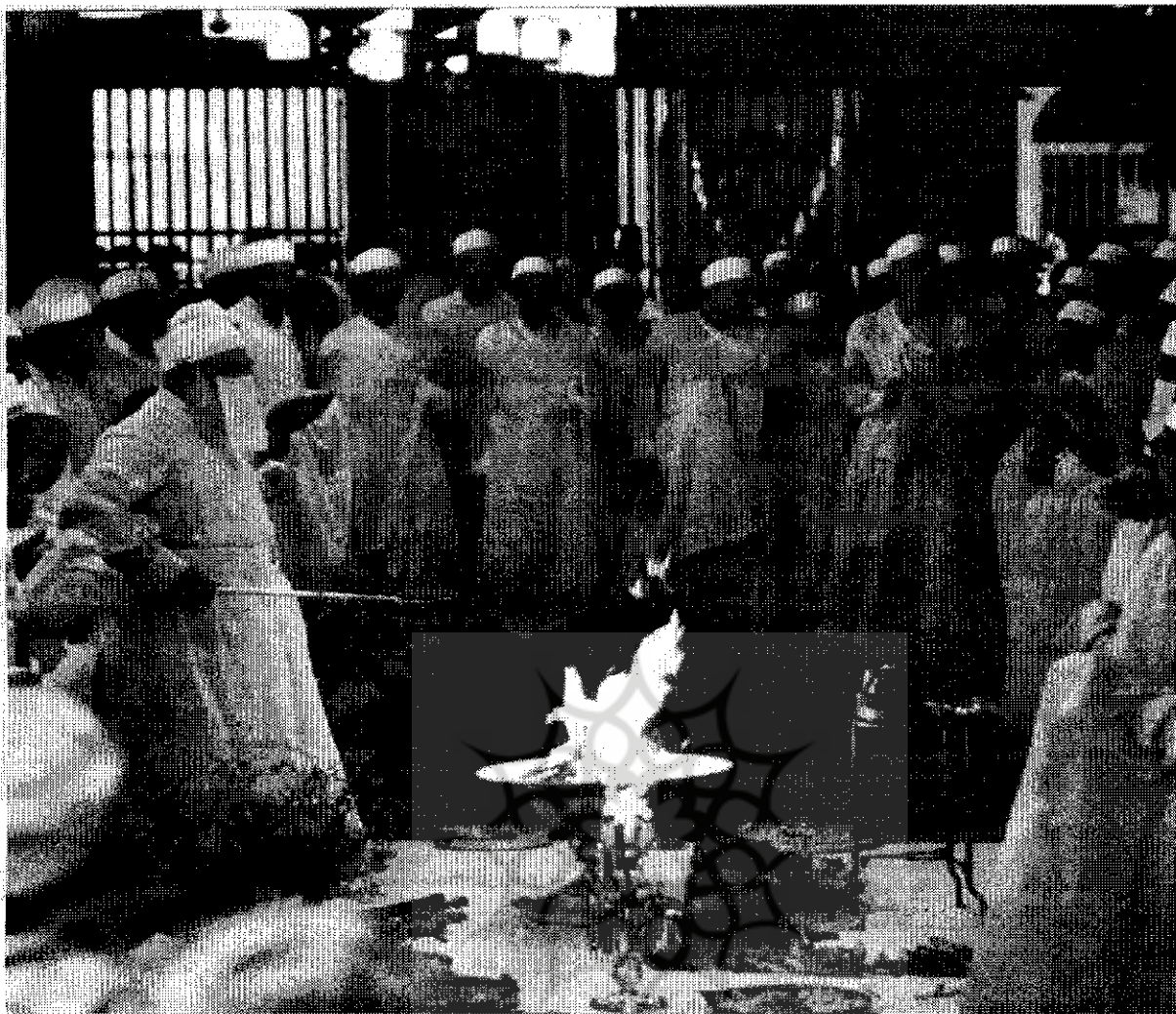
بنا بر نوشته کنت دو گوینو فرانسوی که در زمان ناصرالدین شاه از ایران دیدن کرد، در آن زمان تعداد زرتشتیان حدود ۸ هزار نفر بود که با توجه به جمعیت هشت یا نه میلیونی آن روز ایران، از یک درهزار کم تر بوده است. ^۱ با توجه به این واقعیت می بایست نقش آن ها را در مجموعه فعالیت های ملی ارزیابی کرد.

انقلاب مشروطیت ایران که فصلی نوین در تاریخ معاصر ایران محسوب می شود، از تحولات مهمی بود که باعث تغییرات جدیدی در جامعه شد. زرتشتیان، با توجه به این که از اقلیت های مذهبی کم تعداد در ایران محسوب می شدند، از دو جهت نقش به سزایی در انقلاب ایفا کردند: اول از لحاظ اقتصادی و کمک های مالی که به نهضت

مشروطیت کردند؛ دوم از لحاظ شرکت انقلابیون زرتشتی در جریان این انقلاب.

الف) کمک های اقتصادی زرتشتیان به آزادی خواهان و مشروطه طلبان

در اوایل انقلاب مشروطه ایران، چند نفر از تجار زرتشتی در اقتصاد ایران مقام و موقعیت ممتازی داشتند. در صدر آن ها، تجارتخانه جمشیدیان و مرکز بازرگانی متعلق به ارباب جمشید بود: «روزی بیش از صد نفر بر سفره او حاضر بودند و هفته ای یک روز در منزل او حدود چهارصد یا پانصد نفر بیویان به ردیف می نشستند و ارباب با دست خود به هر یکی، یک ریال آن روز بخشش می کرد.»^۲



ارباب جمشید به علت تمکن، بخشندگی و بلند نظری، نفوذ فوق العاده‌ای در اقتصاد ایران به هم زد و مخصوصاً وقتی رجال وقت و یا خزانه به پول احتیاج پیدا می‌کردند، متوجه او می‌شدند. از جمله، وقتی میرزا علی اصغر خان اتابک، صدر اعظم مظفرالدین شاه، مغضوب و معزول و به قم تبعید شد و حتی مقرری او نیز قطع گردید، دست کمک به طرف ارباب جمشید دراز کرد و ارباب جمشید به شعبه تجارخانه خود در قم اعلام کرد، اتابک تا صد هزار تومان اعتبار دارد و در صورت مراجعه به او پردازند.^۲

چکسن درباره ارباب جمشید می‌نویسد:

صراف توانگری است و صاحب صدها هزار تومان ثروت. در دربار سلطنتی ایران، صاحب نفوذ و به رسمیت شناخته شده است. نزدیکی او با دربار باعث جلوگیری از فشار هیأت حاکمه به زرتشتیان است؛ چرا که عرایض و شکایات آن‌ها را به نظر شاهنشاه می‌رساند. مسلمانان به درستی او اعتقاد دارند و صرافان و بازرگانان دیگر ایران، به قدر او طرف توجه و اطمینان نیستند.^۳

در همان دوران، از آن‌جا که مجاهدان مشروطیت به پول احتیاج داشتند، ارباب جمشید مرتباً به آزادی خواهان کمک‌های مالی می‌کرد. تنها یک بار، مبلغ ۲۰ هزار تومان شخصاً و ۲۰ هزار تومان از سایر تجار زرتشتی جمع‌آوری کرد و در اختیار مجاهدین گذاشت. آن زمان چهل هزار تومان (صدسال) پیش مبلغ کمی نبود.^۵

یکی دیگر از تجار زرتشتی که نقش اساسی در کمک‌های مالی به آزادی خواهان و مشروطه طلبان داشت، ارباب خسرو شاه جهان بود. وی یکی از مؤسسان انجمن زرتشتیان تهران، و تجارخانه جهانیان، یکی از مهم‌ترین مؤسسات بانکداری در ایران بود.

وی در سال ۱۲۷۴ هـ. ش در یزد شرکتی به منظور عملیات صرافی و بانکداری تشکیل داد و بعداً شعبه‌هایی نیز در تهران، بمبئی و لندن احداث کرد. از جمله کمک‌های وی یکی پرداخت مبلغ هزار تومان بود که در اختیار مجاهدین قرار داد.

همچنین، عده‌ای از زرتشتیان اسلحه‌هایی را که بعضی از

دولتی‌ها از انبار مهمات سرقت می‌کردند، می‌خریدند و به آزادی‌خواهان می‌دادند.^۶

در آن دوران، پارسیان هند نیز برای آزادی‌خواهان کمک‌های مالی می‌فرستادند. آن‌ها حتی حاضر بودند که برای تشکیل سرمایه بانک ملی به مجلسیان و آزادی‌خواهان ایران کمک کنند؛ چرا که نمی‌خواستند ایرانیان برای ترمیم اقتصاد کشور، دست به سوی کشورهای روس یا انگلیس دراز کنند. ادوارد براون، در کتاب «انقلاب ایران»، در این زمینه می‌نویسد:

همدردی و کمک‌های پارسیان و زرتشتیان بمبئی که ممکن بود هم به طیب خاطر وهم به واسطه استطاعت مالی همراهی کامل بنمایند، بدبختانه به واسطه قتل ناجوانمردانه ارباب پرویز در یزد که هر چند مطبوعات و اکثریت توده ایرانیان، حتی علما را عزادار نمود، آنان را سرد و روگردان ساخت.^۷

ب) آزادی‌خواهان و مبارزان زرتشتی در انقلاب مشروطیت

زرتشتیان جدا از این که در زمینه کمک‌های اقتصادی و مالی پشتیبان جریان مشروطه‌خواهی بودند، به عنوان مجاهد نیز در راه مبارزه با استبداد و ایجاد حکومت مشروطه نقش به‌سزایی ایفا کردند. تجارتخانه‌های جمشیدیان و جهانیان اسلحه و فشنگ و مهماتی را که از خارج وارد ایران می‌شد، دربندر بوشهر تحویل می‌گرفتند و به تهران و سایر شهرها حمل می‌کردند و در اختیار مجاهدان قرار می‌دادند. در تهران، این مهمات و فشنگ‌ها به وسیله تجارتخانه‌های زرتشتی به مجاهدان تحویل داده می‌شد.^۸

در تهران کار توزیع بمب و نارنجک و اسلحه بین مجاهدان مشکل بود و چون آن‌ها و مخصوصاً آذربایجانی‌ها مورد سوءظن مقامات دولتی بودند، در این زمان مرحوم صور اسرافیل که عضو انجمن آذربایجان بود، یکی از زرتشتیان معروف به نام ارباب مهربان جمشیدپارسی را که با او دوست بود، متقاعد کرد، بمب‌ها را از محل تولید آن‌ها به دست افراد مورد نظر برساند. مهربان جمشید چون مورد سوءظن مستبدین واقع نشد، مدت‌ها این وظیفه را انجام می‌داد.^۹

مستبدین بعد از مدتی به همکاری تجارتخانه‌های جمشیدیان و جهانیان و مهربان جمشیدپارسی با مجاهدان پی بردند و او را به وضع فجیعی کشتند.^{۱۰} خبر قتل پرویز شاه جهان در روزنامه «جام جمشید» به زبان گجراتی و روزنامه «تایمز» بمبئی به زبان

انگلیسی به همراه مقالاتی و درباره تأمین امنیت جانی و مالی زرتشتیان در ایران منتشر شد. این درست مقارن ایامی بود که پارسیان هند قصد سرمایه‌گذاری و شرکت در تأسیس «بانک ملی» در ایران را داشتند و طبعاً پس از آن فاجعه، از تصمیم خود منصرف شدند.^{۱۱}

در سال ۱۲۷۳ ه. ش، «بانک جمشیدیان» توسط ارباب جمشید زرتشتی، و در سال ۱۲۷۹ ه. ش، بانک دیگری به نام «بانک جهانیان» به وجود آمدند که هر کدام در زمان خود اهمیت فراوان کسب کردند. این دو بانک نیز نتوانستند تاب رقابت با بانک‌های انگلیس و روس را بیاورند و شکست خوردند.^{۱۲} به هر حال، نه قتل پرویز شاه جهان و نه تهدیدات دولتیان علیه زرتشتیان، آن‌ها را از کوشش دوش به دوش با برادران مسلمان ایرانی خود در راه حصول به مشروطیت و پیروزی نهایی باز نداشت.

یکی دیگر از شهدای زرتشتیان، فریدون خسرو اهرستانی، معروف به «گل خورشید»، از مؤسسان انجمن زرتشتیان تهران و رئیس شعبه تجارتخانه جهانیان در تهران بود. فریدون خسرو که جوانی غیور و پر شور بود، در جریان توزیع اسلحه با عده زیادی از آزادی‌خواهان ارتباط پیدا کرده بود و در جلسات شبانه آن‌ها شرکت می‌کرد. بعدها، انجمن آذربایجان اغلب در منزل او تشکیل می‌شد. ضمناً وی سلاح‌هایی را که از روسیه توسط مجاهدان آذربایجان وارد می‌شد، دریافت و بین مبارزان توزیع می‌کرد. به هر کسی که توسط آن انجمن معرفی می‌شد، یک قضاة تفنگ و یکصد عدد فشنگ تحویل می‌داد.^{۱۳}

زمانی که محمد علی میرزا برای تأمین هزینه خود به پول احتیاج داشت، چون «بانک استقراضی» روس بدون وثیقه پولی به او نمی‌داد، زیر پوش مروارید بافت مادرش را که جزو جواهرات سلطنتی بود، در بانک روس گرو گذاشت و پول گرفت. فریدون خسرو این خبر را به کمیته مجاهدان رساند تا چاره‌جویی کنند که مبادا تمام جواهرات سلطنتی به این نحو به گرو برود. بعد از آن که مستبدین دریافتند این خبر را فریدون خسرو به مجاهدان داده است، کمر به قتل او بستند و او را شبانگاه در خانه‌اش به قتل رساندند.^{۱۴} کشته شدن فریدون زرتشتی مایه زحمت مجلس شد؛ زیرا زرتشتیان در تهران و دیگر جاها دست از کارهای خود برداشتند و مجازات‌کشندگان او را خواستند. مدتی بعد معلوم شد، کُشندگان او از همان اوباشان

میدان توپخانه هستند و چون نام‌های آنان مشخص شد، شهریارانی به دستگیری آنان پرداخت.^{۱۵}

دادگاه پنج تن را محاکمه کرد و به جز حاجی معصوم خان، بقیه را محکوم و در روز دوشنبه سیزدهم بهمن (۲۹ ذی‌الحجه) حکم آن‌ها را صادر کرد. احمد کسروی در این باره در کتاب «انقلاب مشروطیت ایران» خود نقل می‌کند که:

اشخاص مفصله ذیل: خسروخان مقتدر نظام، اسمعیل خان، سید محمد خان، صنیع حضرت، و سید کمال، منشأ مخاطرات و مطرح مذاکرات و برهم زن انتظام و انگشت‌نمای خاص و حام و یاعث وحشت و اضطراب ملت و اسباب انقلاب مملکت و به مفسدی و مخالفت مشروطیت معرفی و شکایت عموم مردم را موجب شدند.

در استنطاق، اعم از اقربا آن‌ها در حق خود یا اظهارات و اختیارات در حق یکدیگر بر محکمه جزا ثابت و محق گردید که مشارالیهم آمر و ناهمی از اذله و اوباش و پیشرو و قائد اجامه و نظم و امنیت و مخالفت قوانین مقدسه مشروطیت را مرتکب و احداث فتنه عظیمه را مدیر بوده‌اند و در باب مجازات آن‌ها مرقوم فرموده‌اند که اولاً به ضرب و به تعذیب زاجر موجهی که موجب عبرت بر مفسد و جلوگیری از این قبیل مفسد و اعدا نامشروع بوده باشد، در حق آن‌ها علناً معمول شود و بعد الزجر، تحت الحفظ و مغلولاً به «کلات» برده شوند و مدت ده سال در آنجا محبوس باشند....^{۱۶}

در یکی از شماره‌های روزنامه «صور اسرافیل»، اعلامیه‌ای مبنی بر کمک و اتحاد زرتشتیان با اتحادیه آزادی‌خواهان شهر تبریز منتشر شد. متن اعلامیه چنین است:

«پارسیان محترم تهران به تازگی داخل اتحادیه آذربایجان و جزو اعضای آن مجمع قرار گرفتند. عموم اعضای انجمن از این اتحاد و یگانگی برادران وطنی خود کمال تشکر و امتنان را دارند و در همراهی و معاونت آنان، تا همه مقام، حتی با نشار جان حاضرند و نیز از تمام اخوان اسلامی خویش تمنا و درخواست می‌نمایند که بیش‌تر از پیش‌تر در احترام و اکرام این ملت قدیم محترم، که یادگار نیاکان ایرانند، به متها درجه که وجدان و حسن انسانیت حکم می‌کند، بکوشند و در نیک و بند آنان خود را شریک و سهیم دانند.^{۱۷}»

پس از قتل فریدون خسرو، خسرو شاه جهان رئیس تجارتخانه جهانبان، برای دادخواهی از یزد به تهران آمد و طی

عریضه‌ای به محمد علی میرزا تظلم کرد. ولی محمد علی میرزا خود او را نیز تهدید به قتل و نفی بلد کرد. وی از طریق بوشهر به بمبئی رفت تا از برادران پارسی کمک بخواهد. برادران پارسی در هند، دوش به دوش برادران هندی خود برای آزادی هند از زیر یوغ استعمار به مبارزه برخاسته بودند. خسرو شاه جهان از بمبئی برای دیدن دده بایی نوروزجی به لندن رفت و جریان مبارزات مشروطه‌خواهان و مظالمی را که مستبدین به زرتشتیان روا داشته‌اند، به اطلاع او رساند و درخواست کمک کرد.

دده بایی نوروزجی در صف مقدم مبارزه با انگلیس‌ها برای آزادی هند قرار داشت. در آن هنگام، طبق مقررات وقت انگلستان، مستملکات انگلستان در مجلس انگلیس نماینده داشتند و مردم هند نیز دده بایی نوروزجی را به نمایندگی خود به پارلمان انگلستان فرستاده بودند. وی در آن زمان به عضویت کمیسیون امور خارجه پارلمان انگلستان هم انتخاب شده بود.^{۱۸}

زرتشتیان همچون مشروطه‌خواهان دیگر شهرهای ایران در خلع محمد علی شاه نقش فعالی را ایفا کردند.

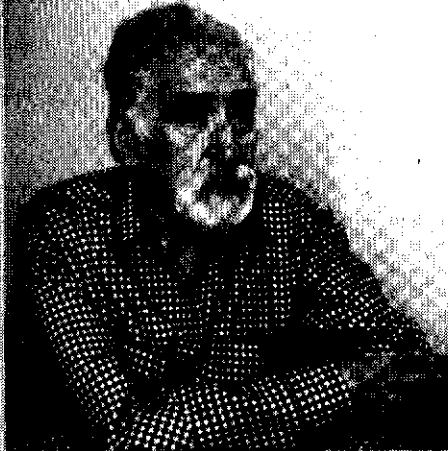
زمانی که احمد شاه جانشین محمد علی شاه شد، قول داد که نگذارد به جان زرتشتیان و اموال آن‌ها تعدی بشود. حتی برای نشان دادن حسن نیت، بهرام جهانبان، برادر خسرو شاه جهان را احضار و به او اطمینان لازم را داد و خسرو شاه جهان به ایران برگشت.^{۱۹}

یکی دیگر از کسانی که در مبارزات مشروطیت ایران نقش داشت، ارباب کیخسرو شاهرخ است. ارباب کیخسرو که در سن ۱۵ سالگی از طرف انجمن اکابر صاحبان پارسی به آموزگاری دبستان کرمان منصوب شده بود، در تمام مدتی که در کرمان بود، با متعصبان درگیر و با حکام مستبد در کشمکش و زد و خورد بود. سرانجام، چون عرضه را بر خرد تنگ دید، از راه مشهد و عشق‌آباد به روسیه رفت و یک سال و اندکی در «ادسا» به سر برد. سپس به تهران آمد و در زمره مدیران تجارتخانه جمشیدیان به کار پرداخت. مقارن همان ایام نیز در صف آزادی‌خواهان ایستاد.^{۲۰}

مورگان شوستر، در کتاب «اختناق در ایران»، درباره ارباب کیخسرو می‌نویسد:

او کسی بود که هیچ وقت از اوقات شبانه‌روزی، از پیشرفت مقاصد و اصلاحات مملکتی کوتاهی نمی‌نمود. در دوره قریب

دکتر عبدالحسین نوایی در گذشت



دکتر عبدالحسین نوایی معلم پیشگام و پژوهشگر پرکار تاریخ ایران و جهان در شانزدهم مهرماه سال جاری در گذشت.

استاد دکتر عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۰۲ هـ. ش در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس تمدن و ابن سینا و دوره متوسطه را در مدرسه شرف مظفری گذراند. سپس در دانشسرای عالی به تحصیل در رشته ادبیات پرداخت. دوره دکتری را در دانشگاه سوربن پاریس گذراند. عنوان تر دکتری ایشان «عراقی و تصوف در قرن هفتم هجری» بود. همین زمان، دو رساله فقهی نیز درباره «انصار فروش ایران در فرانسه و تحولات آن» و «تقدیر نوشته‌های گویبو درباره بابیه» به زبان فرانسه نوشت. دکتر نوایی از سال ۱۳۲۴ به معلمی پرداخت و پس از بازگشت از فرانسه نیز این کار را ادامه داد. در این دوران همچنین به تدوین دو دانشگاه و کارهای پژوهشی و تألیفی مشغول بود. در مجله «بادگزار» با هیاس اقبال و علامه قزوینی همکاری نزدیک داشت و چنان که خود می‌گفت این همکاری در گرایش او به مقوله تاریخ تأثیر اساسی داشت. استاد مدتی نیز به عنوان کارشناس و مدیر در سازمان کتاب‌های درسی مشغول بود. ایشان در مدت حدود نیم قرن فعالیت آموزشی و پژوهشی ده‌ها کتاب و مقاله تألیف و کتاب‌های بسیاری را نیز تصحیح کرده. استاد نوایی در سال ۱۳۵۶ بنا به درخواست خودش از خدمت در آموزش و پرورش بازنشسته شد و از آن پس فعالیت خود را با وسعت بیشتری در دانشگاه‌های مختلف (تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس، الزهراء، آزاد اسلامی تهران و اهر) با تدریس و هدایت علمی دانشجویان ادامه داد. از جمله آثار ارزنده او در این دوران، تألیف مجموعه سه جلدی ایران و جهان (از دوران مغول تا پایان قاجاریه) بود. دکتر نوایی همچنین از سال ۱۳۷۳ با عنوان محقق و مسئول واحد پژوهش با انجمن آثار و مفاخر فرهنگی همکاری داشت. به‌علاوه بسیاری از مراکز تحقیق، محصلان و دانشجویان از حرمین دانش او بهره‌مندی بردند. یادش گرامی باد.

شش ساله، مجلس یا خرابی وضع مالی کشوری، با سیاست و تدبیر غریب، آن دوره را طی نمود. تا دوره فترت منقضى و باز مجلس شروع به کار کرد. در جنگ بین‌المللی اول بود که با خطرات جانی که متوجه مشارالیه بود، از طرف مسئولی الممالک، دومرتبه مأمور مذاکره با کمیته دفاع ملی قم شد.^۱ ارباب کیخسرو در یازده دوره مجلس شورای ملی، از طرف زرتشتیان سمت نمایندگی داشت.^۲

زیر نویس

۱. گویبو، کتت دو... سه سال در ایران. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. بی‌جا. ابن سینا. ۱۳۵۳. ص ۸۲.
۲. شهرآبادان، رشید. فرزندان زرتشتی. یزد. بی‌تا. ۱۳۴۰. ص ۳۳۲.
۳. مهر، فرهنگ. زرتشتیان و نهضت مشروطیت. اصفهان. انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۳۸. ص ۹.
۴. همان، ص ۹؛ به نقل از: Persia past @ present تألیف دکتر جکسون، ص ۲۲۶.
۵. مهر، فرهنگ. مقاله ارباب جمشید جمشیدیان. جمله اندیشه ما. شماره سوم. اسفند ۱۳۲۴. ص ۹۱۱.
۶. مهر، فرهنگ. پیشین. ص ۱۰.
۷. کسروی، احمد. انقلاب مشروطه ایران. تهران. صدای معاصر. ۱۳۸۰. ص ۲۳۰؛ همچنین براون، ادوارد. انقلاب ایران. ترجمه مهتری قزوینی. تهران کویر. ۱۳۷۸. ص ۱۴۲.
۸. مهر، فرهنگ. زرتشتیان و نهضت مشروطیت، ص ۱۳.
۹. کسروی، احمد. پیشین، ص ۲۳۱.
۱۰. کرمانی، ناظم الاسلام. تاریخ پیدایی اوزبکان، بخش اول. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. انتشارات آگاه. نوین. ۱۳۶۲. ص ۱۶.
۱۱. همان، ص ۱۸.
۱۲. براون، ادوارد، پیشین، ص ۱۴۲.
۱۳. مهر، فرهنگ. زرتشتیان و نهضت مشروطیت، ص ۱۶.
۱۴. همان، ص ۱۷.
۱۵. کسروی، احمد. پیشین، ص ۵۱۵.
۱۶. همان، ص ۵۱۶.
۱۷. صور اسرافیل، میرزا جهانگیر خان. روزنامه صور اسرافیل. سال اول. شماره ۸. ۱۳۶۲. ص ۸.
۱۸. مهر، فرهنگ. زرتشتیان و نهضت مشروطیت، ص ۲۰.
۱۹. همان، ص ۲۶۹.
۲۰. مهر، فرهنگ. زرتشتیان و نهضت مشروطیت، ص ۲۲.
۲۱. شوستر، مورگان. اختناق در ایران. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری. تهران. جیل‌المتین. ۱۳۵۱. ص ۱۷۱.
۲۲. شهرآبادان، رشید. پیشین، ص ۴۲۶.